

● آمریکائیان معتقدند که سعادت ملت عمدتاً مبتنی بر فردگرایی است و همین فردگرایی است که افراد را با اتکاء به صرف نیروی خود به پیشرفت وامی‌دارد.

# نگاهی به جامعه آمریکا

غلامعلی خوشرو

پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم

● اهمیت آموزش و پرورش از نظر آمریکائیان را می‌توان از میزان تخصیص بودجه و تعداد ثبت‌نام شدگان در مدارس و دانشگاه‌ها مشاهده کرد. در سال ۱۹۳۰ کل هزینه‌های آموزش و پرورش از دوره ابتدایی تا پایان دانشگاه فقط ۳/۴ میلیارد بود. در حالی که در سال ۱۹۸۷ مخارج آموزش و پرورش بالغ بر ۳۰۸/۸ میلیارد دلار گردید که ۱۸۴/۸ میلیارد آن به آموزش ابتدایی و متوسطه و بقیه به آموزش عالی اختصاص داشت.



با نگاهی گذرا به جامعه آمریکا بر اکتی می توان متوجه تفاوت‌ها و تعارض‌های بسیاری در نظام و روابط اجتماعی این کشور شد. این وجه ناهمگون ولی دارای همزیستی را میتوان به خوب و بد، توانائی و درماندگی، عیب و هنر و یا ضعف و قوت تعبیر کرد. این نوشته تلاش دارد تا در راه یافتن نسبت و رابطه این وجوه مثبت و منفی در جامعه آمریکا به جستجو بپردازد.

به منظور آشنائی با زمینه موضوع ابتدا بنیاد ارزشی اولیه جامعه و سپس تحولات صنعتی و اقتصادی تا نیمه اول قرن بیستم اجمالاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحولات عمیق ساختاری و تغییرات مهم ارزشی و اخلاقی در دهه‌های اخیر موضوع اصلی مورد مطالعه این دفتر است. توجه به زمینه‌ها و تأمل در عوارض و نتایج این تغییرات ما را به طرح معضلات جامعه و مسائل حاد اجتماعی رهنمون می‌شود. در پایان در پرتو مطالعه فرآیندهای ساختاری و فرهنگی جامعه آمریکا در عصر حاضر و همزمانی و همبستگی مسائل اجتماعی با تحولات یاد شده مورد تأمل قرار می‌گیرد.

## ۱ - ارزشها و اخلاقیات اولیه:

اکثریت غالب مردم آمریکا پروتستان هستند. ساکنان اولیه نیوانگلند (New England) - در شرق آمریکا - که شدیداً به اخلاقیات پروتستانی متعهد بودند، به پوریتن کالونیست موسومند. پوریتن کالونیسم از فرق متعصب پروتستانیزم بر اساس تحلیل «ماکس وبر» در کتاب معروف «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» نقش بنیادی در هموار کردن راه سرمایه‌داری جدید ایفا کرده است. ارزشهای محوری پوریتن‌ها که با قبول اختیاری نوعی معاهده جمعی (covenant) مورد تأکید قرار می‌گرفت عبارت بودند از: سخت‌کوشی، از خودگذشتگی، صرفه‌جویی و مورد خطاب الهی بودن. تنها با سخت‌کوشی است که خواست الهی در جهان تحقق می‌یابد و موفقیت فردی در امور اقتصادی نشانه لطف الهی و علامت قبول فرد توسط حق تعالی است. بنابراین کارائی، مولد بودن، سرمایه‌گذاری و سخت‌کوشی، اشتغال دائمی مومنان و معتقدان این مذهب بود.

راه‌حل «کینز» (لزوم دخالت گسترده دولت در امور اقتصادی) برای خروج از بحران بزرگ اقتصادی سالهای ۱۹۳۰، جهت نگرش پوریتن‌ها را نسبت به کار و تولید تغییر داد و تکیه بر مصرف را به جای تأکید بر تولید نشاناد. ارزشهایی که با تولید و کار همراه بودند دیگر برای رشد و توسعه اقتصادی ضروری بنظر نمی‌رسیدند و جای خود را به تدریج به مصرف‌گرایی، ولخرجی و خوشگذرانی سپردند.

در نتیجه این فرایندها، اثمار و از خودگذشتگی که لازمه نیل به رستگاری در پروتستانیزم بود به تحقق و اثبات خویش در این جهان تغییر یافت. آمریکا که تا آن زمان جامعه‌ای بود با بیش از مذهب آن

جهانی، به یک نظام اقتصادی کاملاً مصرف‌گرا و این جهانی و همراه با فراوانی و اسراف و تبذیر تبدیل شد. دولت‌ها مانع خداوند گردید و مصرف‌کنندگان جای کارگران را گرفتند. اگر «رستگاری نه منوط به کار بلکه تابع بازار بود».

## ۲ - فرآیندهای ساختاری:

جامعه آمریکا در طول دو قرن گذشته تحولات بنیادی بسیار به‌خود دیده است. این تغییرات دربرگیرنده همه ابعاد زندگی اجتماعی از قبیل اقتصاد، تکنولوژی، قشربندی اجتماعی و سیاست است. پیش از جنگ داخلی (۱۸۶۰) آمریکا یک جامعه ماقبل صنعتی دارای جمعیتی حدود سی و یک میلیون نفر بود که اکثریت غالب آن کشاورز بودند. تا سال ۱۸۵۰، هشتاد و پنج درصد جمعیت در مناطق روستائی زندگی می‌کردند. بر این اساس، آمریکا جامعه‌ای عمدتاً محلی بود و نقش دولت بسیار محدود و در حد واحدهای محلی. ایالات متحده از پایان جنگ داخلی تا شروع «بحران بزرگ» به صورت یکی از کشورهای صنعتی درآمد. در این دوره تعداد کارکنان امور تجاری و مالی ده برابر افزایش یافت و کارگران صنعتی از ۲/۳ میلیون به ۱۰/۹ میلیون بالغ گردید.

در این دوران شهرهای بزرگ ساخته شد و جمعیت آنها با هشت برابر افزایش، به حدود پنجاه میلیون رسید. جمعیت کل کشور در این دوره به ۱۰۹ میلیون رسید که از هر چهار نیروی کار یک نفر در بخش کشاورزی اشتغال داشت. رشد صنعت و تجارت و افزایش جمعیت شهری، جامعه را بسوی تمرکز سوق داد و راه را برای ایجاد یک حکومت مقتدر هموار کرد. در این عصر صنعتی شدن سریع رشد ناخالص ملی هشتاد درصد افزایش یافت.

روزولت، رئیس جمهور آمریکا (۱۹۴۴ - ۱۹۴۰) نظرات اقتصادی کینز را که مبتنی بر دخالت گسترده دولت در امور جامعه بود، برای خلاصی از بحران بزرگ به مرحله اجراء درآورد و در نتیجه نقش حکومت و میزان دخالت دولت در امور اقتصادی شدت افزایش یافت. از آن پس، دیگر اداره این جامعه پیچیده صنعتی و شهری جز با یک سیاست‌گذاری متمرکز ممکن نبود. این وضعیت زمینه را برای ظهور یک دوره جدید فراهم آورد که می‌توان از آن بعنوان جامعه فراصنعتی (Postindustrial) یا اساساً یک جامعه جدید (new Society) نام برد.

## ۳ - ساختار اجتماعی جامعه جدید:

### الف - تکنولوژی، علم و آموزش

پیشرفت تکنولوژی و رشد سریع دانش نظری - تجربی جدید منجر به ایجاد جامعه‌ای پیچیده و صنعتی گردید. هزینه‌های دولت مرکزی برای تحقیق و توسعه از ۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۴۰ به

● مطابق آمار خدمات بهداشت عمومی آمریکا بیست سال پیش کمتر از دو درصد از جوانان مصرف مواد مخدر را تجربه کرده بودند در حالی که امروزه نزدیک به دوسوم جوانان پیش از آنکه دوران دبیرستان را تمام کنند حداقل یکنوع مواد غیر قانونی را تجربه می کنند.

۳۹/۹ میلیارد در ۱۹۸۳ رسید. بر طبق آمار رسمی ایالات متحده در سال ۱۹۸۷ سرمایه گذاری در امر تحقیق و توسعه به ۱۱۷/۹ میلیارد دلار بالغ گردید.<sup>۲</sup>

اهمیت آموزش و پرورش از نظر آمریکائیان را می توان از میزان تخصیص بودجه و تعداد ثبت نام شدگان در مدارس و دانشگاهها مشاهده کرد. در سال ۱۹۳۰ کل هزینه های آموزش و پرورش از دوره ابتدائی تا پایان دانشگاه فقط ۳/۴ میلیارد بود. در حالیکه در سال ۱۹۸۷ مخارج آموزش و پرورش بالغ بر ۳۰۸/۸ میلیارد دلار گردید که ۱۸۴/۸ میلیارد آن به آموزش ابتدائی و متوسطه و سقیه به آموزش عالی اختصاص داشت. تعداد دانشجویان در آغاز جنگ جهانی دوم کمتر از ۱/۵ میلیون بود. در طول سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ به تعداد دانشجویان ۶/۲ میلیون افزوده شد و به رقم کل ۹/۷ میلیون رسید و در سال ۱۹۸۷ این رقم از مرز ۱۲/۴ میلیون نفر فراتر رفت.<sup>۳</sup>

گسترش ارتباطات و بهره گیری از وسائل متنوع ارتباطی در دهه های اخیر چنان وسیع است که تاثیر شگرفی بر اقتصاد و سیاست و فرهنگ داشته است. اکنون تقریباً تمام خانواده های آمریکائی دارای تلویزیون بوده و ساعاتی را به تماشای آن سپری می کنند. اینسک کانالهای مختلف و متنوع تلویزیونی و رادیویی، هزاران نوع مجله و روزنامه عمومی و اختصاصی در سطح ملی و محلی، در کار ساختن افکار عمومی، در همه عرصه های زندگی می باشند. نقش رسانه ها بویژه تلویزیون در وحدت بخشیدن و فرهنگ سازی جامعه ناهمگون آمریکا بسیار گسترش و اهمیت یافته است. تلفیق تکنولوژی پیشرفته و تکاثر سرمایه و نیروی کار متخصص منجر به کارائی بالاتر و فراوانی بیشتر گردیده که خود در تغییر ساختار طبقاتی جامعه موثر بوده است.

#### ب - طبقه متوسط جدید (New Middle Class)

ظهور طبقه متوسط جدید به عنوان یک اکثریت غالب از خصوصیات بارز این جامعه جدید است. تفوق بخش خدمات (حدود ۷۰ درصد) در مقایسه با بخش صنعت (حدود ۲۷٪) و بخش کشاورزی (حدود ۳٪) نشانگر تغییر بنیادی در ساختار طبقاتی است. یکی از نتایج راه حل های کینز ایجاد این طبقه متوسط جدید است. طبقه ای که «از تکنولوژی، انباشت سرمایه و سیاست بودجه ای کینزی مستقل

نیست بلکه خود محصول این عوامل است»<sup>۵</sup>.

طبقه متوسط جدید عمدتاً متشکل از تحصیل کرده های دانشگاهی است و از هر چهار نفر آنها یک نفر مدیر و یا از کارشناسان ارشد می باشد. مشاغل حرفه ای و فنی، کارهای اجتماعی و اشتغالات خدماتی، حوزه اصلی فعالیت این طبقه است، که نه در تولیدات اولیه و زیربنائی بلکه بیشتر در امور دست دوم و سوم اشتغال دارند. صنعت بارز این طبقه رقابت در مصرف و همچشمی در شیوه جدید و التزام به مد روز در زندگی اجتماعی است.

#### ج - بوروکراسی

برای اداره و کنترل امور این جامعه غول پیکر یک تشکیلات وسیع دیوان سالاری ایجاد شده است. چنین سازمانی مسببتی بر روشهای یکسان و مشاغل حرفه ای و بایگانی منظم اسناد می باشد. این تشکیلات فراگیر نه تنها شیوه اداره امور سازمانها و دستگاههای دولتی است بلکه امروزه به یک سبک زندگی که تقریباً شامل همه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی می باشد تبدیل گردیده است.

تسری و تسلط سازمانهای بسیار بزرگ و پیچیده به حوزه های آموزش و پرورش و تجارت و غیره روی دیگر سکه رشد طبقه متوسط است. در نتیجه رشد این امر، فرد خود را در برابر قدرت قساره بوروکراسی که بر همه ابعاد زندگی اجتماعی سیطره دارد و یک نظم کور غیر انسانی بر وی تحمیل می کند ناتوان می یابد.

#### ۴ - ارزشهای اصلی جامعه جدید:

##### الف - فردگرایی:

چنین به نظر می رسد که فردگرایی جوهر ارزشهای سیاسی و اجتماعی آمریکاست. بر مبنای این فرهنگ هدف جامعه تضمین و تأمین حق فرد نسبت به آزادی و خوشبختی می باشد. برای آمریکاییها فردگرایی به معنی «خوداتکایی، آزادی اخلاقی و حاکمیت آزادی و حیثیت انسان است»<sup>۶</sup>

آمریکاییها معتقدند که سعادت ملت عمدتاً مبتنی بر فردگرایی است و همین فردگرایی است که افراد را با اتکاء به صرف نیروی خود به پیشرفت وامی دارد، فردگرایی پایه اساسی نظام سیاسی آمریکا (دموکراسی) و نیز ساختار اقتصادی (سرمایه داری) و ارزشهای اجتماعی (آزادی بیان، مذهب و غیره) است.

##### ب - مصرف گرایی:

مصرف گرایی نه صرفاً یک پدیده اقتصادی بلکه نوعی نگرش عام به جهان است که ابعاد مختلف جامعه آمریکا را شکل می دهد. آمریکاییها شدیداً طالب کالاهای متنوع و خدمات گوناگون می باشند.

این جریان عظیم مصرف‌گرایی گاه به‌گاه به عنوان موتور پیشرفت و ترقی در رشد اقتصادی قلمداد می‌گردد. هرچند رواج فرهنگ مصرف نتیجه گذر از اخلاق پروتستانی از رهگذر اجرای تئوری کسینز در امور اقتصادی بود اما این امر اکنون تنها در حوزه امور اقتصادی محدود نمانده بلکه در همه زمینه‌ها چنان رواج و گسترش یافته است که کاملاً بر موقعیت انسان و ارزشهای وی حاکمیت دارد. اینک در واقع ارزش و حیثیت انسان با میزان مصرف او سنجیده می‌شود نه با سهم او در تولید.<sup>۷</sup>

تبلیغات نقش گسترده‌ای در تحریک مردم برای احساس نیاز به کالا و خدمات ایفاء می‌کند. استفاده از سکس و هنر و سیاست در آگهی‌های تجارتي به صورت سمعی و بصری همیشه و در همه جا حضور دارد. این آگهی‌ها - که عنصر جدایی‌ناپذیر جامعه مصرفی مبتنی بر خدمات است - خودآگاهی و شخصیت انسان را تحریف و مخدوش می‌کند و شیوه جدید زندگی مبتنی بر مصرف‌پرستی مفرط را تشویق و تحمیل می‌نماید.

## ۵ - مسایل اجتماعی:

### الف - از هم‌گسیختگی خانواده

ساخت و کارکرد خانواده را می‌توان به عنوان معیار و ملاکی در تفکیک و طبقه‌بندی اجتماعات به حساب آورد. خانواده نهاد بنیادین زندگی بشر است که بر ارزشها و ساختارهای اجتماعی اقتصادی هر جامعه مبتنی می‌باشد.

خانواده در آمریکا گسسته از شبکه خویشاوندی و از لحاظ ساختاری کوچک و هسته‌ایست.

خانواده در آمریکا در طول سه دهه اخیر از لحاظ ساختاری و کارکردی در معرض ضعف و اضمحلال قرار گرفته است. مطابق آمار وزارت تجارت آمریکا تعداد طلاق از هفتصد و هشت هزار در سال ۱۹۷۰ به یک میلیون و صد و پنجاه و هفت هزار در سال ۱۹۸۷ رسیده است. منابع دیگری نشان می‌دهد که میزان طلاق به نسبت هر صد هزار نفر کل جمعیت از ۲۴۸ مورد در سال ۱۹۶۵ به ۴۹۵ در سال ۱۹۸۵ رسیده است که این امر نشانگر افزایش شگفت‌انگیز در طول بیست سال است.

از جمله دلایل دیگر ضعف خانواده وجود روابط جنسی آزاد قبل و بعد از ازدواج است. بیش از نیمی از جوانان آمریکا تا سن ۱۷ سالگی روابط جنسی آزاد داشته‌اند. مطابق برآورد ۵۰ تا ۵۹ درصد مردان زن‌دار و ۴۵ تا ۵۵ درصد زنان شوهردار تا سن ۴۰ سالگی مرتکب عمل منافی عفت می‌گردند.

هر سال بیش از یک میلیون حاملگی بین‌نوجوانان (از ۱۳ تا ۱۹ ساله) گزارش می‌شود که نیمی از آنها به سقط جنین متوسل شده و

● برای خروج از بحران بزرگ اقتصاد، سالهای ۱۹۳۰، جهت نگرش پوریتین‌ها را نسبت به کار و تولید تغییر داد و تکیه بر مصرف را به جای تاکید بر تولید نشانند.

نیمی دیگر بجه به دنیا می‌آوردند. ۲۵ سال پیش (۱۹۶۵) از هر هزار نفر نوزاد ۵۴ نفر آن خارج از روابط زناشویی ازدواج بود، در حالیکه در سال ۱۹۸۵ این تعداد به ۲۱۵ نفر رسید که افزایشی چهار برابر را نشان می‌دهد.

نسبت بسیار زیاد نوجوانان (زیر ۱۸ سال) فراری از خانه در ایالات متحده بعد دیگری از ناپسامانی و تزلزل خانواده در این جامعه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد فراریان بیش از یک میلیون در هر سال است. مطابق آمار وزارت دادگستری آمریکا در سال ۱۹۸۸ تنها ۱۶۶۹۵۵ نفر از نوجوانان فراری توسط پلیس دستگیر شده‌اند. بیش از نصف این نوجوانان فراری دارای والدین جدا شده از هم بوده و ۱۶ درصد کل آنها اصلاً با مفهوم پدر آشنایی نداشته و هیچگاه پدر مشخصی به خود ندیده‌اند و تنها مادر خود را می‌شناسند. تقریباً تمام فراریان بلافاصله و یا پس از اندک زمانی مورد بهره‌برداری جنسی و به دنبال آن مرتکب جنایت مواد مخدر می‌شوند.

### ب - جرم و جنایت

جنایت پدیده نوظهوری در جامعه آمریکا نیست. اما افزایش بی‌سابقه و اشکال متنوع آن طی سه دهه اخیر توجه همگان را به خود جلب کرده است. برحسب گزارش وزارت دادگستری آمریکا در گزارشهای سالیانه موسوم به (UCR) جرائم به دو دسته تقسیم می‌شوند. جرائم دسته اول که در آن جسم و جان و یا دارایی مورد حمله و تعرض واقع می‌شود و جرائم دسته دوم که علیه فرد یا دارایی فرد بخصوصی نیست. مانند فرار نوجوانان از خانواده و اختلاس.



جرایم اتفاق افتاده، باشد.

### ج - مواد مخدر

گرچه آمریکا تنها کشوری نیست که با مساله خطرناک مواد مخدر مواجه می باشد اما میزان مصرف این مواد در آمریکا آنقدر بالا است که می رود به خطرناکترین بحران فردی و اجتماعی تبدیل گردد.

مطابق آمار خدمات بهداشت عمومی آمریکا بیست سال پیش یکمتر از دو درصد از جوانان مصرف مواد مخدر را تجربه کرده بودند در حالیکه امروزه نزدیک به دوسوم جوانان پیش از آنکه دوران دبیرستان را تمام کنند حداقل یکنوع مواد غیرقانونی را تجربه می کنند که این واقعیت معرف بیش از سه هزار درصد افزایش در این مورد است. آمریکائیا تقریباً شصت درصد کل مواد مخدر دنیا را مصرف می کنند. تعداد معتادان به ماری جوانا ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر و معتاد به کوکائین ۴ تا ۸ میلیون و معتادان به هروئین پانصد هزار برآورد می شود.

اطلاعات ذیل نشان میدهد که میزان مصرف مواد مخدر در بین جوانان آمریکائی تا چه اندازه وحشتناک و بحران آفرین خواهد بود. اکنون نزدیک به ۸۰٪ جوانان تا قبل از بیست سالگی حداقل یکنوع مواد مخدر را تجربه می کنند. از این تعداد ۶۰ درصد کسانی هستند که علاوه بر ماری جوانا معتاد به مواد مخدر دیگری هم هستند. این رقم در مورد دبیرستانی های سال آخر ۵۷ درصد است که ۳۶ درصد آنها علاوه بر ماری جوانا اعتیاد به مواد دیگری هم دارند.<sup>(۱۰)</sup>

در سال ۱۹۸۸ دستگیریهای مربوط به استعمال مواد مخدر ۱۴٪ بیش از سال قبل و ۴۸ درصد بیش از سال ۱۹۸۴ گزارش شده است. تعداد متوسط بازداشتگاههای شهر نیویورک در سال ۱۹۸۳ ده هزار نفر بود که اکثریت آنها مرتکب دزدی و حمله به افراد بودند. اتهام ۷۰٪ از کل کسانی که در طول سال ۱۹۸۸ بازداشت و زندانی شده اند (یکصد و ده هزار نفر) در ارتباط با جرائم وابسته به مواد مخدر بوده و شصت درصد آنها معتاد نیز بوده اند.

امروز به طور متوسط روزانه ۱۷۰۰۰ زندانی در زندانهای شهر نیویورک بسر می برند که اکثر آنها مرتکب قاچاق مواد مخدر و یا جنایات مرتبط با مواد مخدر شده اند. بنابراین از لحاظ ترکیب جمعیتی اینک قاچاقچیان جای مجرمین دیگر را گرفته و رقم آنها روز بروز افزایش می یابد. این امر نشانه بسحران روزافزون جدید جامعه آمریکاست<sup>(۱۱)</sup>. بحرانی که سرد و جامعه، روح و جسم را در معرض تهدید جدی قرار داده است.

### ۶ - ارتباط و جنبه ضعف و قوت:

در اینجا می خواهیم از رابطه بین مسائل و مشکلات اجتماعی امریکا با پیشرفتهای علمی و صنعتی، بهبود وضع آموزش و بهداشت و

● مصرف گرائی نه صرفاً یک پدیده اقتصادی بلکه نوعی نگرش عام به جهان است که ابعاد مختلف جامعه آمریکا را شکل می دهد. آمریکائیا شدیداً طالب کالاها متنوع و خدمات گوناگون می باشند. این جریان عظیم مصرف گرائی گاه بعنوان موتور پیشرفت و ترقی در رشد اقتصادی قلمداد می گردد.

اطلاعات مربوط به جرائم دسته اول بر حسب تعداد دستگیریهای و یا بر حسب خیرگیری از طریق دیگر در هر سال تهیه می گردد. تعداد و نوع جرائم دسته اول را در سال ۱۹۸۸ می توان در جدول زیر مشاهده نمود.

تعداد جرائم دسته اول بر حسب نوع در سال ۱۹۸۸

نوع جرم	تعداد
۱ - آدمکشی	۲۰۰۰۰
۲ - تجاوز به عنف	۹۲۰۰۰
۳ - حمله به افراد و دزدی اموال آنها	۵۴۳۰۰۰
۴ - زد و خوردهای سخت و بسیار خطرناک	۹۱۰۰۰۰
۵ - دزدی از منازل	۳۲۱۸۰۰۰
۶ - دزدی	۷۷۵۶۰۰۰
۷ - دزدی وسایط نقلیه	۱۴۳۳۰۰۰

ردیف ۱ تا ۴ را اصطلاحاً جرائم خشونت بار و ردیف ۵ تا ۷ را جرائم مربوط به دارائی و اموال می نامند. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ جرائم خشونت بار ۳۰ درصد و جرائم مربوط به دارائی و اموال ۱۲ درصد افزایش داشته است. کل جرائم (شامل دسته اول و دسته دوم) در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۱۳/۹ میلیون گردید. و تعداد کل دستگیرشدگان در مقایسه با سال ۱۹۶۹ افزایش چشمگیری داشت. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ دستگیری در مورد کل جرائم ۲۲ درصد و جرائم خشونت بار ۱۱ درصد افزایش داشته است.

جرائم دسته دوم فقط بر حسب تعداد دستگیریهای در گزارش FBI منتشر می گردد. به این ترتیب عملاً جرائم دسته اول که بیشتر مربوط به فقرا و درمندانگان است و ریشه در تاریخ سردگی این کشور دارد، دقیق تر منعکس می گردد و خطرناکتر تلقی می شود. حال آنکه جرائم مربوط به مقامات رسمی و عالی رتبه و جرائم طبقات بالا و پردرآمد و همچنین جرائم شرکتها و کسبانیهای بزرگ تا افشاء نگردد و منجر به دستگیری افراد نشود انتشار نمی یابد، که البته آن هم با توجه به تسلط آنها بر اطلاعات و رسانه ها و نفوذ عوامل این دستگاهها در همه جا می توان تصور کرد که مقدار جرائم گزارش شده بسیار کمتر از تعداد

● تبلیغات نقش گسترده‌ای در تحریک مردم برای احساس نیاز به کالا و خدمات ایفاء می‌کند. استفاده از سکس و هنر و سیاست در آگهی‌های تجارتي بصورت سمعی و بصری همیشه و در همه جا حضور دارد. این آگهی‌ها که عنصر جدائی ناپذیر جامعه مصرفی مبتنی بر خدمات است، خودآگاهی و شخصیت انسان را تحریف و مخدوش می‌کند و شیوه جدید زندگی مبتنی بر مصرف‌پرستی مفرط را تشویق می‌نماید.

رفاه اجتماعی پرشش نمائیم و بینیم بین اموری که معمولاً با صفات تحسین‌آمیز از آنها یاد می‌شود و اموری که غموماً بد و یا منفی تلقی می‌گردند چه نسبتی وجود دارد؟ در جامعه آمریکا امور زیر معمولاً توسط اکثریت مردم پسندیده و ارزشمند تلقی می‌شود:

— بنیاد قوی علمی و تکنولوژی

— ثروت و وفور اقتصادی

— قدرت نظامی و سیاسی

— دموکراسی و لیبرالیسم

— نظام قضائی و حقوقی قوی و مستقل

— رفاه اجتماعی، گسترش آموزش و بهبود بهداشت

— بازبودن جامعه و وجود آزادیهای فردی و اجتماعی

— وجود فرصتهای مناسب برای ترقی اجتماعی و فردی

— توسعه و سهولت ارتباطات

— تنوع رسانه‌های جمعی

آن دسته از مواد که معمولاً وجوه ضعف جامعه تلقی می‌شود و می‌توان از آنها بعنوان جنبه‌های ناپسند یاد کرد عمدتاً عبارتند از:

— اعتیاد به مواد مخدر

— از هم گسیختگی خانواده

— آزادی مفرط روابط جنسی در همه اشکال ناهنجار آن

— فقر، نابرابری و تبعیض

— جنایت و ناامنی

— مصرف پرستی

— تسلط غیرآشکار برافکار عمومی توسط رسانه‌ها

— بی‌اعتنائی و بی‌حساسیتی عمومی در امور سیاسی

— از خود بیگانگی

— بی‌هدفی جوانان

— سیاستهای امپریالیستی و توسعه طلبانه

پرسی که پاسخ آن نیاز به تأمل و تحقیق بیشتری دارد اینست که چه رابطه‌ای بین وجوه ضعف و قوت جامعه آمریکا می‌توان برقرار نمود. آیا این امور صرفاً با یکدیگر همزیستی دارند و یا دارای نوعی

نسبت علی و باحداقل بیوستگی متقابل هستند. آیا اموری که ناظر بر وجود امتیاز و قوت جامعه هستند اصل می‌باشند و مشکلات و ناهنجاریها اموری عارضی هستند؟ آیا میتوان فضائل را حفظ و تقویت کرد و رذائل را منهدم نمود؟ آیا بدی‌ها جزه لایستجزی و غیرقابل انفکاک بخش اول هستند و ارتباط این اجزاء با یکدیگر رابطه دو جزء است که مجموعاً یک کل تام و وحدانی را تشکیل می‌دهند؟

تا آنجا که می‌توان از تلیق اطلاعات انتخابی و محدود و شتابزده این نوشته استنباط کرد. به پرسشهای فوق ممکن است به طریق زیر پاسخ داد: در تحلیل رابطه وجوه ضعف و قوت جامعه آمریکا لازم است که از نظریه همزیستی ساده فراتر رفت و به وابستگی و بیوستگی امور توجه کرد. اگرچه تحلیل کمی دقیق احتیاج به داده‌های فراوان و مطالعات گسترده دارد، اما برای نشان دادن برخی از پیوستگی‌ها می‌توان به داده‌های کلی موجود در این دفتر استناد کرد.

یکی از مشکلاتی که جامعه آمریکا در مواجهه به آن روز بروز ناتوانتر شده است مسئله از هم گسیختگی خانواده و تضعیف روزافزون آن است. وضعیت کنونی خانواده را باید در رابطه با تحولات ساختاری، نظیر صنعتی شدن و شهری شدن جامعه از یک طرف و تحولات فرهنگی نظیر تغییر ارزشهای مذهبی به ارزشهای دنیوی (Secularism) و تأکید بر لذت فوری و آنی دانست. فردگرایی را که به درجه خودپرستی (Selfishness) رسیده است. می‌توان بعنوان عاملی روانی و فرهنگی در سرباززدن از قبول مسئولیتهای خانوادگی و شانه خالی کردن از تعهدات آن بحساب آورد.

تسلط فرهنگ مصرف‌پرستی و لذت‌جویی در عرصه روابط خانوادگی، محرکی در تنوع طلبی در لذات جنسی و ابداع شیوه‌های انحرافی است. تعداد زیاد جوانان فراری از خانه اگرچه تا حدی به دلیل بد رفتاریهای اعضاء خانواده و نیز تمتع جنسی از آنها می‌باشد. اما نوجوانانی که از خانواده می‌گریزند در پی تحقق فردیت خود و در اندیشه آزادی و بی‌قیدی و بدنبال رسیدن به رویاهای نوجوانی هستند. بنابراین بنظر نمی‌رسد که برای تحکیم مبنای خانواده چاره‌ای باشد و یا از عوارض و نتایج تحولات جاری ساختاری و فرهنگی گریزی.

گسترش نجومی مصرف مواد مخدر با رشد طبقه متوسط و اقتصاد مبتنی بر خدمات از یک طرف و تسلط نظام بوروکراسی بر سرنوشت فرد و جامعه از طرف دیگر نسبت مستقیم دارد. بی‌هدفی در زندگی و نداشتن آرزوهای متعالی و بزرگ، نابسامانی‌های خانوادگی، ناتوانی در مواجهه با نظام حاکم بوروکراتیک، لذت‌طلبی و فرار از مشکلات، همگی زمینه را برای مصرف و گسترش مواد مخدر آماده کرده‌اند.

ابن خلدون پیشگام فلسفه تاریخ در تحلیل صعود و زوال تمدنها بیان میدارد که تاسیس کنندگان جوامع ابتدا با عصبیت و غیرت تمام به کار و سازندگی می پردازند. شهرها را بنیاد می گذارند، علم و صنعت را رواج می دهند و تولید و کارائی را بهبود می بخشند. نسل های بعدی فقط از مزایا و تسهیلات ایجاد شده منتعم می شوند. در نتیجه طی چند نسل روحیه مصرف گرایی، خوشگذرانی، تجمل طلبی و میل به فحشاء و تفنن در روابط جنسی و آزاد صفات بارز اجتماعات بزرگ شهری می گردد. در این حالت فعالیتهای مردم از بخشهای اصیل و اولیه نظیر کشاورزی و صنعت به بخش خدمات (هنر، تجمل، سرگرمی) انتقال می یابد. در این مرحله جامعه گرچه از لحاظ ظاهری قدرتمند و مرفه بنظر می رسد اما از درون می پوسد و نیروی محافظ و محرک خود را از دست می دهد.

اینک تکنولوژی و صنعت پیشرفته، بسط قدرت نظامی و فضائی، دسترسی به منابع غنی انرژی آمریکا را نیرومند می کند اما بنظر نمی رسد که با افزایش پلیس و زندان و با کمک رسانه ها و تبلیغات و توسعه خدمات اجتماعی بتوان تناقضات درونی و معضلات موجود را حل کرد. بیوستگی فرایندهای فرهنگی و ساختاری<sup>(۱۲)</sup> و ناسازگاری درونی و دائمی آنها و بحران تلاشی خانواده و اعتیاد جوانان حل این معما را بسیار پیچیده تر میکند.

منابع:

1. Vidich, Arthur J. "religion, economics and class in American politics," in *politic, culture and Society*, Vol. 1, No. 1 fall 1987
2. Everett Carl Ladd, *The American polity*, W. W. Norton & Company, N. Y., 1985
3. U. S. Department of Commerce, Bureau of Census, *Statistical Abstract of the United States*, 1988
- 4 - همان مأخذ
5. Bensman, J., and Vidich, A., *American Society, The welfare state and beyond* B. G., M. A., 1987
6. Herbert Mc Closky. John zaller, *The American Ethos*, Harvard University Press, 1984
7. Richard Wightman Fox, T. J. Jackson Leatrs, *The Culture of Consumption*, Pantheon Books, N. Y., 1983

9. U. S. Department of Justice, *Crime in the United States*, 1987
10. U. S. Department of health and human services, *Health and Human Services*, 1987
11. Ekram U. Haque, New York City Department of Social Services, *Problems and Challenges of A Giant System*, Academic Press, Wiley, 1987
12. John A. Garraty and Peter gary, *The Cultural Imagination*, W. W. Norton & Row, Publishers, P. 1143
13. Vidick, A., "the American Ethos"

۱۲- همان مأخذ در کتاب زیر

Jonathan H. Turner and Robert M. Ziswiler, *The American Ethos*, University Press, N. Y., 1983

● امروزه بطور متوسط روزانه ۱۷۰۰۰ زندانی در زندان های شهر نیویورک بسر می برند که اکثر آنها مرتکب قاچاق مواد مخدر و یسای جنایات مرتبط با مواد مخدر شده اند. بنابراین از لحاظ ترکیب جمعیتی اینک قاچاقچیان جای مجرمین دیگر را گرفته و رقم آنها روز به روز افزایش می یابد.

جوانان در طی سه دهه اخیر شدیداً از پیچیدگی های فزاینده جامعه جدید متاثر شده اند. آنها مخالف ساختهای اجتماعی و نهادهای ثابت اقتصادی ای بودند که خود نه در ایجاد آن نقشی داشته اند و نه در تغییر آن توانی. بنابراین جوانها «به این نتیجه رسیدند که در جامعه کاملاً پوسیده و فاسد زندگی می کنند، بسیاری از آنها دچار تحولات و نابسامانی های روحی شدند. تعدادی مغلوب اغوای نفس گردیده و به مواد مخدر و اشکال دیگر رفتار انحرافی متوسل شدند»<sup>(۱۳)</sup>

فقر و نابرابری سهم عمده ای در میزان بالای جرائم دارد. انحصارات صنعتی و ماشینی شدن (که به نوبه خود موجب بیکاری است)، جمعیت بسیار زیاد شهرها، عدم وجود کار مفید و مولد برای فقرا و افراد طبقه پائین و بی مهارت، زمینه و شرایط مناسبی جهت وقوع جرائم و ارتکاب جنایت است. برای تبیین جنایات و جرائم خشونت بار که بیشتر با نام فقرا و بخصوص جوانان فقیر سیاه همراه است می باید تاریخ تبعیضات ناروا و برادگی را مورد توجه قرار داد.

اکنون جامعه آمریکا از درون مواجه با تعارضات پیچیده فرهنگی و اجتماعی است. ارزشهای اولیه پروتستانی که باید مقوم جامعه و مسایه حرکت آن باشد تبدیل به الفاظی شده که فقط در شعارهای سیاسی برای جلب آراء در انتخابات بکار می آید.<sup>(۱۴)</sup> در همین حال فردگرایی و خودپرستی، اعتیاد به مواد مخدر، لذت پرستی و تحریک مداوم برای مصرف امور غیر ضروری، زمینه های هر چه بیشتری برای ایجاد تعارضات و معضلات فرهنگی و اجتماعی در جامعه آمریکا فراهم می آورد.

